



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صاحب عروۀ فرمودند که افطار عمدی چهار نوع از صوم کفاره دارد که عبارتند از کفاره ماه رمضان و کفاره قضای ماه رمضان و کفاره صوم مندور معین و صوم اعتکاف . سه مورد اول را بحث کردیم و بحث اعتکاف را هم به باب خودش موکول می کنیم فقط صاحب عروۀ در آخر این بحث می فرمایند که در غیر از این چهار مورد مثلاً در صوم ندبی و یا نذر غیر معین و یا صوم کفاره دیگر به هم زدن آنها کفاره ندارد .

خوب بحث بعدی این است که اگر کسی مکرراً مرتکب مفطر شود آیا این کار موجب تکرر کفاره می شود یا نه ؟ صاحب عروۀ می فرمایند :

(مسئله ۲) : تتکرر الکفارة بتکرر الموجب فی یومین و ازید من صوم له کفارة و لا تتکرر بتکرره فی یوم واحد فی غیر الجماع و إن تخلل التکفیر بین الموجبین (چه اولی را که افطار کرده کفاره اش را داده یا نه ، این اشاره به قول عامه است که بعدا آن را ذکر می کنیم) أو اختلف جنس الموجب علی الاقوی و إن کان الاحوط التکرار مع أحد الامرین بل الاحوط التکرار مطلقاً و أما الجماع فالاحوط بل الاقوی تکریرها بتکرره.

تکرر مفطر خود اقسامی دارد ؛ قسم اول این است که تکرر مفطر در روزهای متعدد باشد مثل اینکه در روز اول ماه رمضان اکل و شرب کرد و در روز دوم هم باز اکل و شرب کرد و یا مفطر دیگری را مرتکب شد ، خوب واضح است که این کفاره مکرر دارد و اگر کسی روزه را به هم بزند در هر روز مستقلاً یک کفاره به گردش می آید زیرا هر روزی حکم مخصوص خودش را دارد و در این حکم فرقی نیست بین اینکه روزه هایش برای یک سال مشخص باشد یا برای سالهای متعدد خلافاً للعامه .

در المعنی ج ۳ ص ۷۰ که از کتب عامه است آمده است که بعضی گفته اند که اگر روزهای متعدد باشد مثلاً اگر دو روز قبل روزه را به هم زده باشد و کفاره ی آن را داده باشد اگر امروز هم به هم بزند باید کفاره ی دیگری بدهد ولی اگر برای اولین بار کفاره نداده باشد امروز که روزه را به هم زده است اگر یک کفاره بدهد برای هر دو روز کافی است .

قسم دوم آن است که در یک روز چند بار مفطری را مرتکب شود که صاحب عروۀ قائل است که بجز جماع تکرر مفطر موجب تکرر افطار نمی شود . این قول صاحب عروۀ که می فرماید : « **أو اختلف جنس الموجب علی الاقوی** » به یک بحث اصولی یعنی تداخل اسباب و مسببات مربوط می شود .

بحث تداخل اسباب در کفایه ج ۱ در بحث مفهوم شرط ذکر شده است ، مثلاً در روایت است : **إذا بلت فتوضاً و إذا نمت فتوضاً** حال اگر کسی نوم متعدد و یا بول متعدد داشت آیا موجب تعدد وضو می شود یا نه ؟ که اگر بشود می گویند تداخل و إلا می گویند عدم تداخل . اصل عدم تداخل اسباب است زیرا هر قضیه شرطیه ای اقتضا می کند که هر شرطی علت تامه و مستقلاً برای مسبب باشد به این معنی که علت آن مسبب این است و لیس إلا هو .

بحث دیگر تداخل مسببات است یعنی گاهی اسباب تاثیر کرده اند و مسبب متعددی مورد تکلیف قرار گرفته مثلاً کسی جنب شده و حائض هم بود و دست بر میت هم زده حال مسببات متعددی بر گردن او آمده است که عبارتند از غسل جنابت و حیض و مس میت ، آیا یک غسل کافی است (تداخل مسببات) یا چند غسل ؟ (عدم تداخل مسببات) ، در اینجا هم اصل عدم تداخل مسببات است مگر اینکه دلیلی شرعی بگوید که یک مسبب کافی است (همانطور که در باب غسل چنین است) .

وامادر بحث ما هم اگر کسی چند بار مفطر را مرتکب شده باشد چه از جنس واحد باشد و چه متعدد این بحث (تداخل و عدم تداخل اسباب و مسببات) جاری می شود ، بعضی گفته اند که اصل عدم تداخل است فلذا باید برای هر سببی یک کفاره بدهد ولی صاحب عروۀ و مشهور و صاحب جواهر در ج ۱۷ ص ۲۱۷ قائل به تداخل هستند مثلاً صاحب جواهر می فرماید : « **یتکرر الکفارة بتکرر الموجب إذا کان فی یومین من صوم تتعلق به الکفارة من شهر واحد أو شهرین (مثلاً یک ماه برای رمضان باشد و ماه دیگر برای قضای روزه و یا کفاره ی آن) إجماعاً منّا بقسمیه (منقول و محصل) من غیر فرق بین تخلل التکفیر أو عدمه و إتحاد جنس الموجب أو عدمه و الوطی و غیره لصدق الافطار المعلق علیه الکفارة خلافاً للمحکی عن أحمد و الزهری.** »

علامه در مختلف ج ۳ ص ۳۶۱ مسئله ی ۶۱ می فرماید : « **و الأقرب عندی إن تغایر جنس المفطر تعددت الکفارة سواء إتحد الزمان أو لا (یک روز باشد یا نه) کفر عن الاول أو لا و إن اتحد جنس المفطر** »

فی یوم واحد فإن کفر عن الاول تعددت و إلا فلا. لنا علی الاول ان الکفارة تترتب علی کل من المفطرات فمع الاجتماع لا یسقط الحکم و إلا لزم خروج الماهية عن مقتضاها (زیرا ماهیت خوردن این است که کفاره داشته باشد) حالة إنضمامها إلى غيرها فلا تكون ماهية و هذا خلف ». بنابراین اینها بحث را مبتنی بر تعدد اسباب و مسببات می کنند به صورتی که خدمتتان عرض شد .

اما بنده عرض می کنم که این بحث ارتباطی به تعدد اسباب و مسببات ندارد زیرا صوم به معنای این است که باید مستمراً از مفطرات امساک کنیم و این یک چیز بیشتر نیست یعنی شبیه عام مجموعی است که از نظر زمانی استمرار دارد حال اگر کسی یک بار افطار کند روزه اش شکسته می شود و اگر بار دیگر بخورد دیگر او روزه ای را نشکسته زیرا روزه اش با خوردن بار اول باطل و تمام شده بود از این رو دیگر سبب جدیدی برای کفاره حاصل نمی شود و در روایات ما هم کفاره مسبب از افطار است و در بار دوم دیگر افطار صدق نمی کند بنابراین میزان افطار و شکستن روزه می باشد . و اما در مورد جماع إنشاءالله فردا بحث خواهیم کرد

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله

علی محمد و آله الطاهیرین